یادداشت

نقش و جایگاه جامعه دانشگاهی و نخبگانی در تحقق ایده وفاق ملی

رحمت‌الهیاری
عضو هیئت‌علمی دانشگاه تهران

در جامعه متکثر، پرشتاب، چندوجهی و متنوع امروز، وفاق ملی به‌عنوان یکی از ارکان اصلی توسعه پایدار و همبستگی اجتماعی شناخته می‌شود. تحقق این ایده ابتدا نیازمند بازتعریف مورد توافق در میان افکار گروه‌های فعال اندیشه‌ورزی در جامعه است که وفاق را از منظر معرفت‌شناختی چگونه تعریف کنیم تا بتوانیم کاربست مناسبی در ابعاد روان‌شناختی، جامعه‌شناختی و مدیریتی تدوین کنیم.

وفاق در اینکه چگونه بیندیشیم یا چگونه با هم کار کنیم و چگونه همراهی و هم‌افزایی داشته باشیم.

آیا برای همراهی، هم‌افزایی و هم‌گرایی در جهت وحدت در اندیشه و عمل به وفاق نیازمند هستیم؟ وفاق برای با من بودن یا با تو بودن یا با هم بودن و... مسیر حرکت جامعه پرشتاب، متنوع، متکثر، پرپیچ‌وخم و پرفرازونشیب است. ما برای رسیدن به مقصد به وفاق احساس نیاز می‌کنیم؟ اگر احساس نیاز می‌کنیم، به چه منظور و با چه پارادایمی باید وفاق را بازتعریف کنیم؟ وفاق برای یک شرکت سهامی یا وفاق برای باور به همدیگر؟ وفاق برای چه موضوع، مفهوم و مقصدی؟ اینکه هرکدام از ما حقی داریم و در این حق فردی-اجتماعی برای پیشرفت و توسعه به هم‌گرایی و توافق نیاز داریم. اگر تحلیل قابل قبولی از مفهوم، موضوع و مصداق وفاق از نظر معرفت‌شناختی و کاربست عملی ارائه دهیم، می‌توان امیدوار بود که از مفهوم وفاق در میان نخبگان حداقل تعریف قابل قبول و مورد توافقی ارائه دهیم. مشارکت عمومی جامعه در جهت توسعه و پیشرفت یک الزام و ضرورت است و تجربه تاریخی نشان داده است که نخبگان نقش بی‌بدیلی در این هم‌افزایی دارند. در میان مشارکت تمام‌عیار تمامی اقشار جامعه، جامعه دانشگاهی و نخبگان هستند که به دلیل توانایی آنها در اندیشه‌ورزی و هدایت افکار عمومی و قدرت اجماع‌سازی نقشی بی‌بدیل در این عرصه برای ایجاد یک هارمونی فکری و اندیشه‌ای برای توسعه و پیشرفت جامعه دارند.

تأکید دولت چهاردهم و مسعود پزشکیان بر وفاق ملی

دولت چهاردهم، به‌ویژه با دیدگاه‌های مطرح‌شده از سوی دکتر مسعود پزشکیان، وفاق ملی را به‌عنوان یک اولویت استراتژیک مورد توجه قرار داده است. از منظر ایشان، ایجاد هم‌گرایی میان اقشار مختلف جامعه تنها از طریق گفتمان خردورزی، علمی، همدلی و احترام متقابل امکان‌پذیر است. تکیه پزشکیان بر نقش دانشگاه‌ها در تقویت گفت‌وگوهای ملی و ایجاد اجماع بین نخبگان، بر اهمیت جامعه دانشگاهی در پیشبرد این هدف تأکید مضاعف می‌کند. او بارها بر ضرورت هم‌افزایی میان دولت و دانشگاه تأکید کرده و تقویت نقش مشورتی جامعه نخبگانی را در فرایند تصمیم‌سازی الزامی دانسته است. اینکه دولت چقدر بتواند زیرساخت‌های لازم را برای مشارکت نخبگان فراهم کند، اصل بسیار مهمی است و اینکه نخبگان چقدر باور داشته باشند که در تضارب آرا و اندیشه می‌توانند نقش نقادانه و دلسوزانه داشته باشند و نه به‌عنوان یک ابزار حکمرانی بلکه طراحی و تدوین مسیر شایستگی و شایسته‌سالاری و شایسته‌گزینی را ترویج و تشویق می‌کنند.

دانشگاه؛ کانون اندیشه و راه‌حل

دانشگاه‌ها فضای تولید علم و اندیشه‌هایی هستند که از توانایی تأثیرگذاری عمیق بر بسترهای اجتماعی برخوردارند. نخبگان دانشگاهی با ارائه تحقیقات دانشی و بینشی و کاربردی در حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی می‌توانند به تدوین سیاست‌های کلان برای کاهش اختلافات و تقویت همبستگی ملی کمک کنند. تبیین مفهوم وفاق ملی و تبدیل آن به یک گفتمان عمومی از وظایف اساسی نخبگان و دانشگاهیان است.

وظایف متقابل دولت در قبال جامعه دانشگاهی

برای تحقق ایده وفاق ملی، دولت باید بسترهای لازم را برای بهره‌گیری از ظرفیت‌های دانشگاهی و نخبگانی فراهم کند. ازجمله وظایف دولت در این حوزه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

حمایت از علم و عالم‌پروری: احترام به نقد و خردورزی و ایجاد و ترغیب به فضای نقد و نقادی و توجه به نقد فردی، اجتماعی و ایجاد زیرساخت‌ها و تقویت بنیان‌های فکری خصوصا روشن‌کردن مفهوم و مصداق وفاق از ابعاد مختلف وفاق با رقیب یا وفاق با منتقد، وفاق با رقبای انتخاباتی، وفاق برای آوردن افراد و اشخاصی که باور به رأی‌دادن نداشتند، حفظ و نگهداری رأی‌دهندگان به سمت خودمان یا وفاق یک ضرورت برای بازآرایی و بازطراحی در جهت توسعه و پیشرفت با ملاک‌ها و معیارهای علمی.

حمایت از تحقیقات علمی و ارائه تسهیلات لازم: دولت باید از طریق تأمین منابع مالی و ساختاری برای پژوهش‌های مرتبط با وفاق ملی حمایت کند.

ایجاد ارتباط مستقیم با نخبگان و بهره‌گیری از نظرات آنها: برگزاری نشست‌های هم‌اندیشی و تشکیل شوراهای مشورتی میان دولت و دانشگاهیان می‌تواند فرایند گفتمان‌سازی را تسریع کند.

تضمین آزادی آکادمیک و فضای گفت‌وگو: دولت موظف است از حقوق نخبگان در بیان دیدگاه‌ها و ارائه پیشنهادها حمایت کرده و فضای تضارب آرا را در دانشگاه‌ها حفظ کند.

نخبگان؛ عاملان تغییر و تحول برای توسعه و تعالی

جامعه نخبگان در قبال دولت و جامعه مسئولیت‌هایی اساسی دارد. یکی از وظایف اصلی آنها، ارائه الگوهای عملی برای همزیستی اجتماعی و ترویج فرهنگ گفت‌وگو است. همچنین ایفای نقش میانجی میان اقشار مختلف جامعه و ارائه رویکردهای مشترک میان گروه‌ها و اقوام، ازجمله فعالیت‌هایی است که از این قشر انتظار می‌رود.

وفاق ملی به‌عنوان یک هدف کلان تنها در سایه همکاری متقابل میان دولت و جامعه نخبگانی قابل تحقق است. دولت چهاردهم، به‌ویژه با راهبری دکتر مسعود پزشکیان، می‌تواند نقش برجسته‌ای در تسهیل این ساختار و فرایندها داشته باشد به شرطی که بتواند در اندیشه و عمل تعریف قابل قبولی از وفاق بر اساس ملاک‌ها و معیارهای پذیرفته‌شده از نگاه جامعه نخبگی داشته باشد، اما بدون جامعه دانشگاهی و مشارکت نخبگان، این هدف غیرممکن خواهد بود. تقویت رابطه دولت با دانشگاه‌ها و بهره‌گیری از ظرفیت‌های علمی و فکری آنها، مسیر دستیابی به آینده‌ای همدلانه و توسعه‌یافته را هموار می‌کند.

وضعیت فارغ‌التحصیلان دانشگاهی در بازار کار ایران

عکس: حسن ظریف منش، تسنیم

لیلا صباغی: یکی از سؤال‌های دانش‌آموزان همواره این بوده که در چه رشته دانشگاهی ادامه تحصیل بدهم؟ بسیاری از داوطلبان کنکور برای داشتن شغل خوب و دستیابی به آینده‌ای بهتر وارد دانشگاه می‌شوند. اما تحصیلات دانشگاهی به تنهایی ضامن موفقیت نیست. داوطلبان کنکور هنگام انتخاب رشته باید واقعیت‌ها و نیازهای فعلی بازار کار را هم مدنظر داشته باشند. دانستن اینکه بی‌کارترین و پرکارترین رشته‌های دانشگاهی در هر دوره چه رشته‌هایی هستند، می‌تواند عامل مهمی در تعیین رشته دانشگاهی و انتخاب شغل آینده هر فرد باشد. این مطلب مروری است بر وضعیت بازار کار فارغ‌التحصیلان و افراد در حال تحصیل دانشگاهی و همچنین برخی رشته‌های دانشگاهی طی چند سال اخیر و فهرست برخی از بی‌کارترین و پرکارترین رشته‌های دانشگاهی کشور. شاید آمارهای یادشده به‌تنهایی تمامی زوایای پیدا و پنهان رشته‌ها و وضعیت کار آنها را مشخص نکنند، اما می‌تواند چشم‌اندازی از وضعیت کلی آنها ارائه دهد. برای انجام این تحقیق از نتایج طرح آمارگیری نیروی کار سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۱ مرکز آمار ایران و آخرین طبقه‌بندی استاندارد سطوح آموزشی رشته‌های تحصیلی در ایران (ISCED) استفاده شده است.

یافته‌ها

یافته‌ها نشان می‌دهد نرخ بی‌کاری جمعیت فارغ‌التحصیل یا در حال تحصیل دوره‌های عالی در دهه اخیر (سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۰) روند یکسانی نداشته و در نیمه اول دهه پس از چند سال کاهش پی‌درپی ناگهان با افزایش مواجه شده است. این روند در نیمه دوم دهه تغییر کرده و از سال ۱۳۹۵ به بعد دائما روند کاهشی را تجربه کرده و از ۲۰ درصد در سال ۱۳۹۵ به ۱۲/۹ درصد در سال ۱۴۰۱ رسیده است.

در سال ۱۴۰۱ نرخ بی‌کاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی و افراد در حال تحصیل دوره‌های عالی ۱۲/۹ درصد بوده است. این در حالی است که نرخ بی‌کاری در همان سال ۹ درصد بوده است. فاصله ۹/۳ درصدی نرخ بی‌کاری دانش‌آموختگان با نرخ بی‌کاری کل نشان‌دهنده افزایش نامتوازن تحصیلات عالی و اشتغال در کشور بوده و نامتناسب‌بودن سامانه برنامه‌ریزی در نظام آموزش عالی با نیازهای بازار کار را به اثبات می‌رساند.

یافته‌ها نشان می‌دهد در سال ۱۴۰۱ نرخ بی‌کاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی و افراد در حال تحصیل در دوره‌های عالی در گروه مردان ۹ و در گروه زنان ۲۱/۹ درصد است که این مهم با توجه به عدم تعادل جنسی در بازار کار، پدیده دور از انتظاری نیست. همچنین در سال ۱۴۰۱ نرخ بی‌کاری مردان نسبت به سال پیش از آن به میزان ۰/۸ درصد و در گروه زنان به میزان یک درصد کاهش یافته است.

جدول ۱- جمعیت فارغ‌التحصیل یا در حال تحصیل دوره‌های عالی به تفکیک وضع فعالیت اقتصادی طی سال‌های ۱۳۹۶-۱۴۰۱

سال	فعال				غیر فعال	نرخ بیکاری
	جمع	جمع	شاغل	بیکار		
۱۳۹۰	۱۰۰۱۱۶۷۶	۴۶۴۳۶۱۸	۳۷۴۱۹۹۹	۹۰۱۶۱۹	۵۳۶۸۰۵۸	۱۹/۴
۱۳۹۱	۱۰۰۳۱۳۵۹۰	۵۰۰۲۱۴۵	۳۹۵۹۱۷۵	۱۰۴۲۹۷۰	۵۳۱۱۴۴۵	۲۰/۹
۱۳۹۲	۱۱۱۶۴۰۸۹	۵۴۲۹۰۷۱	۴۴۰۰۸۲۳	۱۰۲۸۲۴۳	۵۷۳۵۰۱۸	۱۸/۹
۱۳۹۳	۱۱۳۹۲۲۲۷	۵۵۷۸۹۰۵	۴۵۴۴۷۷۵	۱۰۳۴۱۲۹	۵۸۱۳۳۲۲	۱۸/۵
۱۳۹۴	۱۱۸۳۹۰۲۱	۶۱۴۱۲۸۵	۵۰۰۷۹۶۱	۱۱۳۳۳۲۴	۵۶۹۷۷۳۵	۱۸/۵
۱۳۹۵	۱۲۱۳۸۹۸۰	۶۶۸۷۱۵۰	۵۳۴۶۷۸۸	۱۳۴۰۱۷۱	۵۴۵۱۸۱۳۰	۲۰/۰
۱۳۹۶	۱۲۵۰۰۵۷۱	۷۱۱۱۲۶۳	۵۳۴۶۷۸۸	۱۳۷۸۹۹۰	۵۳۸۹۳۰۸	۱۹/۴
۱۳۹۷	۱۳۱۵۱۳۹۲	۷۵۸۴۷۸۷	۶۱۹۴۰۳۷	۱۳۹۰۷۴۹	۵۵۶۶۶۰۴	۱۸/۳
۱۳۹۸	۱۳۷۷۹۳۳	۷۷۴۴۷۰۳	۶۴۲۸۳۷۱	۱۳۰۶۳۳۲	۵۸۴۴۳۳۰	۱۶/۹
۱۳۹۹	۱۳۹۶۷۷۲	۷۲۱۸۳۱۹	۶۱۸۴۵۷۸	۱۰۳۳۷۴۱	۶۴۷۸۴۶۳	۱۴/۳
۱۴۰۰	۱۴۱۵۹۲۴۸	۷۴۵۳۷۷۷	۶۴۳۰۲۶۰	۱۰۲۳۵۱۷	۶۷۰۵۴۷۱	۱۳/۷
۱۴۰۱	۱۴۴۵۰۷۴۲	۷۶۷۷۹۹۳	۶۶۸۶۴۹۶	۹۹۱۴۹۷	۶۷۷۲۷۵۰	۱۲/۹

نتایج جدول ۱ نشان می‌دهد که در سال ۱۴۰۱ از حدود ۱۴ میلیون و ۵۰۰ هزار نفر جمعیت فارغ‌التحصیل یا در حال تحصیل دانشگاهی، هفت میلیون و ۶۸۰ هزار نفر (۵۳/۱ درصد) فعال اقتصادی هستند که از این تعداد نزدیک به شش میلیون و ۶۹۰ هزار نفر (۸۷/۱ درصد) شاغل و در حدود یک میلیون نفر (۱۲/۹ درصد) بی‌کار هستند. همچنین شش میلیون و ۷۷۰ هزار نفر (۴۶/۹ درصد) جزء جمعیت غیرفعال اقتصادی هستند. با مقایسه آمارها با سال ۱۴۰۰، مشاهده می‌شود که بیش از ۲۲۴ هزار نفر به جمعیت فعال کشور اضافه شده است. همچنین تقریبا ۲۵۶ هزار نفر به جمعیت شاغلان اضافه شده است. این در حالی است که ۳۲ هزار نفر از جمعیت بی‌کاران فارغ‌التحصیل دانشگاهی کم شده است.

نتایج طرح آمارگیری نیروی کار نشان می‌دهد در سال‌های ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ سه گروه عمده رشته تحصیلی «فناوری اطلاعات و ارتباطات» (شامل کاربرد کامپیوتر، طراحی و مدیریت شبکه و پایگاه داده، توسعه و تحلیل نرم‌افزارهای سیستمی و کاربردی و هوش مصنوعی)، «مهندسی، ساخت و تولید» (شامل حرفه‌های مهندسی، فراوری و ساخت، معماری و ساختمان و علوم مهندسی) و «علوم تجربی، ریاضی و آمار» (شامل علوم زیستی، محیط زیست، علوم فیزیک، شیمی، زمین، ریاضیات و آمار) بیشترین نرخ بی‌کاری را به خود اختصاص داده‌اند. در سال ۱۴۰۰ رشته‌های تحصیلی مربوط به گروه عمده «فناوری اطلاعات و ارتباطات» از صدرنشینان جدول بی‌کارترین رشته‌های تحصیلی خارج و رشته‌های تحصیلی گروه عمده تحصیلی «علوم اجتماعی، روزنامه‌نگاری و اطلاع‌رسانی» (شامل علوم اجتماعی و رفتاری، روزنامه‌نگاری و اطلاع‌رسانی) جایگزین آن شده است. در سال ۱۴۰۱ گروه تحصیلی «علوم تجربی، ریاضی و آمار» گوی سبقت را از سایر رشته‌ها ربوده و بیشترین نرخ بی‌کاری را به خود اختصاص داده‌اند. نکته حائز اهمیت آن است که با وجود اهمیت علوم پایه در پیشرفت سایر علوم و صنایع، فارغ‌التحصیلان این رشته‌ها به دلایل مختلف، ازجمله اشباع جامعه نسبت به عرضه فارغ‌التحصیلان این رشته‌های تحصیلی، در بازار کار فرصت‌های شغلی زیادی پیدا نمی‌کنند.

نتایج تحقیق نشان می‌دهد که همواره دو گروه عمده رشته تحصیلی «علوم تربیتی» (شامل علوم تربیت و تربیت معلم در حوزه‌های تخصصی و غیرتخصصی) و «بهداشت» (شامل مطالعات دندان، پزشکی، پرستاری و مامایی، فناوری درمان و تشخیص پزشکی، توانبخشی، داروسازی، طب سنتی، خدمات سلامت، رفاه، مراقبت از سالمندان و معلولان، مددکاری و مشاوره و مراقبت از کودک و ارائه خدمات به جوانان) آمار اشتغال بهتری داشته و در بازار کار با تقاضای زیادی مواجه بوده و آمار بی‌کاری تک‌رقمی داشته‌اند.

با توجه به صرف سرمایه‌های مادی و معنوی زیاد برای تربیت نیروی انسانی دانش‌آموخته، هرگونه بی‌توجهی به معضل بی‌کاری این قشر از جامعه، منجر به هدررفتن سرمایه ملی شده و می‌تواند اثرات زیان‌بار اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و حتی امنیتی برای کشور به همراه داشته باشد و به نوعی چوب حراج زدن به سرمایه‌های انسانی کشور محسوب شود. امید است این مقاله به کسانی که قصد ورود به دانشگاه دارند یا دانشجویانی که درصدد ادامه تحصیل هستند، کمک کند تا با انتخاب آگاهانه‌تر رشته‌ها و گرایش‌های مورد علاقه‌شان، هم نیازهای بازار کار ایران را پاسخ دهند و هم آینده بهتری برای خود رقم بزنند.

جدول ۲- نرخ بی‌کاری جمعیت فارغ‌التحصیل یا در حال تحصیل دوره‌های عالی به تفکیک گروه‌های عمده رشته تحصیلی و جنس گروه‌های عمده رشته تحصیلی

گروه‌های عمده رشته تحصیلی	۱۳۹۸	۱۳۹۹	۱۴۰۰	۱۴۰۱
کل مرد و زن	۱۶/۹	۱۴/۳	۱۳/۷	۱۲/۹
علوم‌تربیتی	۸/۱	۷/۲	۹/۴	۹/۲
هنر و علوم انسانی	۱۴/۹	۱۳/۳	۱۳/۷	۱۲/۴
علوم اجتماعی، روزنامه‌نگاری و اطلاع‌رسانی	۱۷/۱	۱۴/۸	۱۶/۵	۱۴/۷
بازرگانی، علوم اداری و حقوق	۱۶/۶	۱۴/۱	۱۲/۸	۱۲/۸
علوم تجربی، ریاضی و آمار	۱۹/۴	۱۷/۵	۱۶/۲	۱۵/۵
فناوری اطلاعات و ارتباطات	۱۲/۷	۱۶/۴	۱۵/۳	۱۵/۴
مهندسی، ساخت و تولید	۱۹/۶	۱۶/۲	۱۵/۷	۱۳/۶
کشاورزی، جنگلداری، ماهیگیری و دامپزشکی	۱۶/۹	۱۵/۴	۱۲/۹	۱۲/۱
بهداشت	۹/۱	۷/۷	۷/۳	۸/۱
خدمات	۱۶/۶	۱۵/۹	۱۱/۴	۱۱/۹
رشته‌های نامشخص، غیردقیق و اظهارنشده	۱۲/۴	۱۳/۶	۵/۵	۱۱/۱
مرد	۱۲/۳	۱۰/۵	۹/۸	۹/۰
علوم‌تربیتی	۳/۷	۲/۹	۴/۲۲	۴/۰
هنر و علوم انسانی	۸/۰	۷/۳	۷/۳۵	۶/۶
علوم اجتماعی، روزنامه نگاری و اطلاع رسانی	۷/۷	۷/۴	۸/۶۳	۶/۶
بازرگانی، علوم اداری و حقوق	۱۰/۰	۸/۰	۷/۵۵	۷/۷
علوم تجربی، ریاضی و آمار	۹/۲	۱۰/۳	۱۰٫۳۴	۸/۹
فناوری اطلاعات و ارتباطات	۱۶/۴	۱۲/۵	۱۱/۰	۱۱/۰
مهندسی، ساخت و تولید	۱۶/۹	۱۴/۲	۱۳٫۶۷	۱۱/۳
کشاورزی، جنگلداری، ماهیگیری و دامپزشکی	۱۱/۱	۱۰/۰	۷/۲۴	۷/۲
بهداشت	۴/۲	۵/۵	۴/۱۳	۵/۱
خدمات	۱۱/۴	۱۱/۰	۷/۳۲	۸/۴
رشته‌های نامشخص، غیردقیق و اظهارنشده	۱۱/۹	۲/۰	۴/۰۱	۹/۸
زن	۲۶/۴	۲۳/۰	۲۲/۹	۲۱/۹
علوم‌تربیتی	۱۱/۱	۱۰/۳	۱۳/۳	۱۳/۲
هنر و علوم انسانی	۲۱/۴	۱۹/۷	۲۰/۵	۱۸/۳
علوم اجتماعی، روزنامه نگاری و اطلاع رسانی	۲۶/۳	۲۳/۱	۲۵/۲	۲۳/۳
بازرگانی، علوم اداری و حقوق	۳۱/۴	۲۹/۸	۲۷/۸	۲۶/۷
علوم تجربی، ریاضی و آمار	۳۲/۷	۲۷/۴	۲۴/۱	۲۴/۵
فناوری اطلاعات و ارتباطات	۳۴/۵	۲۷/۷	۲۷/۷	۲۷/۹
مهندسی، ساخت و تولید	۴۰/۵	۳۴/۷	۳۴/۵	۳۱/۴
کشاورزی، جنگلداری، ماهیگیری و دامپزشکی	۴۱/۶	۳۷/۵	۳۷/۱	۳۰/۸
بهداشت	۱۲/۱	۹/۰	۹/۱	۱۰/۰
خدمات	۲۸/۷	۲۶/۹	۲۵/۱	۲۰/۴
رشته‌های نامشخص، غیردقیق و اظهارنشده	۱۴/۳	۴۱/۱	۱۰/۰	۲۱/۵

کفن به‌جای قدردانی؛ رسیدن رسانه ملی به وادی تحقیر نخبگان؟

معصومه شهریاری
روزنامه‌نگار

شبکه افق در اقدامی نه «غیرمنتظره»، بلکه «شگفت‌آور» به‌جای تجلیل از مقام علمی و دانشگاهی پروفسور مریم رزاقی‌آذر، چهره ماندگار پزشکی که نامش با ماجرای ایستادگی او برای تکرار نام خلیج فارس و اخراجش از امارات گره خورده است، با هدیه‌کردن «کفن» و «آگهی ترحیم» او را شدیدا آزرده‌خاطر کرد. این رفتار غیرحرفه‌ای و تأسف‌بار موج گسترده‌ای از انتقادات را در میان افکار عمومی برانگیخت و بار دیگر بحث سوءمدیریت در رسانه ملی و جایگاه واقعی نخبگان و خدشه‌دارکردن وجهه علمی آنان را در چنین ساختارهایی داغ کرد.

در بسیاری از برنامه‌های گفت‌وگومحور صداوسیما، متأسفانه مجری‌ها اغلب تلاش می‌کنند با حرکات نمایشی، لودگی و شوخی‌های سطحی، برنامه را بسیار هیجان‌انگیز و طنزآمیز جلوه دهند. اما آنچه در ماجرای «هدیه کفن و اطلاعیه ترحیم» برای میهمانان برنامه در شبکه افق رخ داد، نه یک شوخی بی‌خطر، بلکه نمایش بارزی از ناآگاهی مجری و عوامل تولید نسبت به حرمت و شأن میهمانان، به‌ویژه نخبگان و جامعه علمی کشور بود. توهم نمکین‌بودن مجری که تا آنجا پیش می‌رود که به خود اجازه دهد فردی را در بالاترین سطح ممکن علمی و دانشگاهی تحقیر کند، حکایت از آن دارد که صداوسیما سالیانی است از خود غافل شده و به وضوح از ارزش‌های اخلاقی و رسانه‌ای فاصله گرفته است.

در نگاه اول، اقدام شبکه افق در «هدیه‌دادن کفن و آگهی ترحیم» به یک چهره برجسته علمی و پزشکی همچون پروفسور مریم رزاقی‌آذر و قبل از او هادی عامل، گزارشگر بنام ورزشی، عجیب و توهین‌آمیز به نظر می‌رسد. اما این رفتار سؤال‌های فراوانی درباره شایستگی و صلاحیت تصمیم‌گیران اجرائی رسانه ملی ایجاد می‌کند که چگونه به خود اجازه می‌دهند با دعوت از بزرگان عرصه دانش و افتخارات ملی و چهره‌های شاخص، هدیه‌ای نمادین اما تلخ را به آنها تقدیم کنند؟ هدیه‌ای که نه‌تنها بار معنایی مثبتی ندارد، بلکه تداعی‌کننده مرگ و از دست رفتن حرمت‌های انسانی است.

مهم‌ترین انتقاد در این میان، ضعف مدیریت و درک نادرست سازندگان برنامه‌های تلویزیونی از جایگاه مخاطب، میهمان و جایگاه علمی آنهاست. کدام رسانه معتبری در اقصی‌نقاط دنیا، میهمانی را به‌عنوان چهره ماندگار پزشکی این‌گونه تحقیر می‌کند و با اقدامی نمایشی سعی در جلب توجه دارد؟ درحالی‌که این رویکرد ناهنجار و «مثلا خلاقانه» که گویی قرار است با دستاویز نمایش و شوخی، جذابیتی برای مخاطب ایجاد کند، به‌شدت بیراهه رفته است. دست‌اندرکاران چنین برنامه‌هایی تصور می‌کنند با هر حرکت شوکه‌کننده یا متفاوتی می‌توانند مخاطب بیشتری جذب کنند، اما در حقیقت اعتبار رسانه را قربانی کرده و موجب تخریب جایگاه خود نزد بینندگان می‌شوند. سیاست‌گذارانی که اجازه می‌دهند چنین رفتارهای خارج از عرف و احترامی انجام شود، فراموش کرده‌اند که احترام به نخبگان علمی و دانشگاهی، بخشی از سرمایه اجتماعی و هویت فرهنگی یک ملت است و حرمت این سرمایه باید محفوظ بماند.

اینکه یک برنامه تلویزیونی ملی به‌جای تولید محتوای فاخر و روشنگر، به شیوه‌های سطحی متوسل می‌شود، نه‌تنها آسیب جدی به چهره دانشگاهی کشور وارد می‌کند، بلکه نتیجه‌ای جز کاستن از اعتماد عمومی نسبت به رسانه ملی ندارد. رسانه‌ای که باید به‌عنوان نهادی فرهنگی و آموزشی، حس مسئولیت‌پذیری و احترام به مخاطب را در اولویت قرار دهد، نخبگان را تکریم کند و از انجام هر اقدامی که موجب تحقیر یا ناراحتی ایشان می‌شود، به‌شدت پرهیز کند. در نهایت، چنین اتفاقاتی حامل این پیام است که اگر دست‌اندرکاران اجرائی رسانه ملی با همین نگاه غیرحرفه‌ای به کار خود ادامه دهند، وجهه و جایگاه اصلی این رسانه به‌شدت لطمه خواهد دید؛ کمااینکه لطمه دیده است. برای اصلاح این وضعیت، ضروری است مدیران ارشد رسانه، به‌جای سپردن برنامه‌ها به افراد ناآگاه و «پخمگان»، فضای حرفه‌ای را برای شنیدن صدای نخبگان و مردم واقعی باز کنند. حرمت‌گذاری، تقدیر از دانش و ارائه محتوای غنی و آموزنده، راهکار ماندگاری رسانه در دل مخاطبان است، نه نمایش‌های خام و سبک که شأن نخبگان و حیثیت ملی را در یک قاب تنگ و مبتذل قربانی می‌کند.

خبر

شناسایی ۴۴۹ بیماری نادر در کشور

ایلنا: «حمیدرضا ادراکی»، مدیرعامل بنیاد بیماری‌های نادر ایران، در گفت‌وگو با خبرنگار ایلنا در پاسخ به این سؤال که چه تعداد بیماری نادر جدید شناسایی شده است؟ گفت: پیش‌تر ۴۴۴ نوع بیماری نادر را شناسایی کرده بودیم که اخیرا پنج بیماری نادر دیگر شناسایی شد و به ۴۴۹ نوع رسیده است. این پنج بیماری نادر جدید شناخته‌شده مربوط به بیماری‌های مغز و اعصاب می‌شوند. این سندروم‌ها همگی ریشه ژنتیک دارند و ژن معیوب آنها شناسایی شده است که در واقع مشکلات مغزی، اعصاب نخاعی و محیطی موجب ناتوانی در دست و پای این بیماران شده است. او درباره نحوه شناسایی این بیماری‌های نادر توضیح داد: این بیماران از شهرستان‌ها توسط پزشکان حیطه بیماری‌های نادر، مانند متخصصان مغز و اعصاب کودکان یا روماتولوژیست‌های کودکان و همچنین متخصصان غدد و متابولیسم اطفال به ما معرفی شده‌اند و مدارک‌شان را نیز فرستاده‌اند. درواقع نیازی به حضور خود بیماران نیست، زیرا اکنون تمام مدارک به صورت آنلاین ارسال و بررسی می‌شود. بلافاصله پس از تأیید در سامانه، مدارک بارگذاری می‌شود. سپس این فهرست‌ها به وزارت بهداشت و سامانه بیماری‌های نادر و صعب‌العلاج ارائه می‌شود و همچنین به معاونت دارویی نیز ارسال می‌شود تا بر اساس این بیماری‌ها، داروهای لازم آنها را تأمین کنند. ادراکی با اشاره به اهمیت تداوم مصرف دارو برای بیماران نادر اظهار کرد: طبق قانون و سند ملی بیماری‌های نادر، داروهای بیماران نادر باید به‌طور کامل از طریق بیمه سلامت پوشش داده شود تا آنها نیازی به پرداخت هزینه نداشته باشند. این پوشش شامل دارو و همچنین تجهیزات پزشکی بستری نیز می‌شود. دارویی که برای بیماری نادر تجویز می‌شود، دارویی نیست که یک یا دو هفته آن دارو را مصرف کنند و بهبود یابند، بلکه باید تا آخر عمر مصرف شود و در صورت قطع آن، بیمار به نقطه صفر بازمی‌گردد.

گزارش

پایان ۱۵ ماه جنایت تل‌آویو؟

ادامه از صفحه ۳

علی‌رغم این سؤالات، سید جلال ساداتیان در گفت‌وگوی خود با «شرق» و ذیل ارزیابی این آتش‌بس، ابتدا به نقش‌آفرینی آمریکا توجه دارد و به گفته او «پیش و بیش از آنکه بتوان نقشی برای جو بایدن در پایان‌دادن به کشتار و جنایت اسرائیل در نوار غزه قائل بود، باید حصول این توافق آتش‌بس را پای دونالد ترامپ نوشت که هنوز به کاخ سفید بازنگشته است». چراکه از منظر سفیر پیشین ایران در انگلستان «خط و نشان‌ها و تهدیدات دونالد ترامپ برای پایان‌دادن به جنگ در غزه بود که باعث شد بنیامین نتانیاهو پیش از روی کار آمدن دونالد ترامپ به دنبال امضای توافق آتش‌بس با حماس باشد». پیرو این بخش از تحلیل ساداتیان و بعد از اعلام رسمی دستیابی به آتش‌بس، هم ترامپ (رئیس‌جمهور منتخب) و هم جو بایدن (رئیس‌جمهور فعلی یا مستقر)، مواضعی را مطرح کردند و حصول آتش‌بس را نتیجه فعالیت‌های خود دانستند. ترامپ در شبکه اجتماعی خود نوشت «ما یک توافق برای آزادی گروگان‌ها در خاورمیانه داریم. آنها به‌زودی آزاد خواهند شد. ممنونم!... این توافق فقط می‌توانست در نتیجه پیروزی تاریخی ما در انتخابات نوامبر اتفاق بیفتد». کار به جایی کشید که در پایان نشست خبری جو بایدن درباره آتش‌بس و در پاسخ به این پرسش که آیا اعتبار آتش‌بس برای شماست یا ترامپ؟ جواب داد که «آیا این یک شوخی است؟»از طرف دیگر و به باور این نماینده ادوار مجلس یقینا «این آتش‌بس به معنای پیروزی بنیامین نتانیاهو نخواهد بود. چراکه نخست‌وزیر اسرائیل پس از ۷ اکتبر ۲۰۲۳ و آغاز جنگ در نوار غزه به‌صراحت از نابودی حماس به‌عنوان یک هدف کلیدی خبر داد. اما در نهایت و با وجود آنکه از نوار غزه جز زمین سوخته باقی نمانده است، اسرائیل نتوانست موفق به نابودی حماس شود». هم‌زمان، این استاد دانشگاه معتقد است که «ننگ جنایت و کشتار حدود ۵۰ هزار زن، کودک و غیرنظامی و نابودی کامل زیرساخت‌های یک باریکه بی‌دفاع، علاوه بر پیشانی اسرائیل و نتانیاهو تا ابد با دموکرات‌ها و جو بایدن خواهد بود». این در حالی است که ساداتیان اذعان دارد که «هنوز نمی‌توان آتش‌بس را به معنای پایان دائمی جنگ دانست و باید منتظر تحولات فردا (یکشنبه) و نحوه اجراشدن مفاد آتش‌بس بود».